

البته بر طبق دیدگاه اهل سنت و جماعت ، ازین قسمت آیه بریده هیچگاهی معصومیت افراد(منهای پیامبر) ، استنباط نشده بلکه خداوند برای زنان پیامبر و مشولین دیگر این آیات شریاطی را میگذارد که در صورتیکه شما با این شرایط (همان شریاطیکه در آیان 28 تا 34 سوره احزاب) ذکر شده است خود را عیار سازید، خداوند برایتان مزد و اجر دو چندان میدهد.

و عصمت خود پیامبر (ص) از ورای آیات متعدد قرآن در دیگر جاها ثابت شده است .
و باز در مورد مودت و دوستی با اهل بیت در دیگر آیات قرآن کریم هم آمده و در احادیث بصورت مکرر ذکر شده است .
و مسلمانان شرعا مکلف هستند که با اهل بیت پیامبر (ص) محبت داشته و هیچ وقت ایشان را به چشم عادی و یا نعوذ بالله بچشم بغض نبینند .

و اما در مورد معصومیت ائمه هیچ ربطی باین آیه نداشته و تنها واستثناءً پیامبران بصورت کل و پیامبر ما بصورت خاص چون با منبع وحی الهی سر و کار دارند ، معصوم بوده و از گناه و کبایر بری میباشند .
فقهای عالم اسلام و خاصتا همه مفسرین اهل تسنن و همچنین همه اربابان خرد را عقیده بر این است که ، اهل بیت ؛ بمعنی اعضای خانواده یک شخص بوده و اهل بیت پیامبر در قدم اول مراد از زنان و اولاد ایشان میباشند .
و هم چنین بر اساس آیات متعدد قرآنی همه بر این اتفاق نظر دارند که نزدیکترین کسان از جهت مستحق بودن به اهل بیت زنان پیامبر بوده اند زیرا در همه این آیات قبلی نوشته شده ، مخاطب زنان پیامبر هستند و نه کسی دیگر و خداوند صراحتا برای زنان پیامبر(ص) امتیازات ویژه قایل شده است ، و هر چند این آیات از لحاظ حکمی و تحذیر سایر زنان مسلمانان را نیز شامل میباشند اما از جهت امتیاز فقط و فقط به اهل بیت پیامبر (ص) تعلق داشته و نه همه زنان مسلمانان.

و جناب پیامبر اسلام برای اینکه دیگر اقارب و خویشان و حتی بعضی اصحاب خویش رانیز مشمول این نعمت بزرگ (شمولیت در اهل بیت) نموده باشد ، از طریق احادیث گهر بار خویش بما معرفی داشته اند ، و الحمد لله که این امر در کتب احادیث و روایات معتبر ایشان بما رسیده است ، تا آنها را خوب بشناسیم و نسبت بایشان ادای احترام کرده و بنابر فرمایش پیامبر (ص) باید دوست داشته باشیم . ایشان را
البته شایان ذکر است که اهل تسنن این افتخار بزرگ را دارا میباشند که محبت بر اهل بیت و یاران و اصحاب پیامبر (ص) را جز شعایر دین دانسته و در پنج وقت نماز این درود های شریف را :

«اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ . اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ »

در پنج وقت نماز (نماز های فرض و واجب و سنت و نفل و همه نماز های مستحب و ...) میخوانند . و متأسفانه که بعضی فرقه های گمراه و ضالّه اهل روافض تکفیری در ختم نماز های خویش بر بعضی یاران و حتی ازواج مطهرات پیامبر (ص) که جز اهل بیت هستند دشنام و فحش نثار میکنند .

درین امر که چرا اهل روافض در قدم اول زنان پیامبر(ص) را جز اهل بیت نمیدانند ، هیچ دلیل و توجیه قرآنی و حتی منطقی ندارند ، و اینکه بر زنان پیامبر (ص) و یا دیگر اهل بیت و یاران و اصحاب سب و لعن میفرستند ، میرساند که نه تنها عمل ایشان بر خلاف امر قرآن و دستور پیامبر و حتی فرمایشات و دستورات مکرر حضرت امیر المومنین علی(رض) و اخلاق اسلامی و عقل سلیم انسانیت ؛ بلکه دانسته میشود که در عقب این اندیشه سیاه شرک آلود و جاهلانه فکر دشمنی با اسلام ، توحید - رسالت پیامبر - اهل بیت پیامبر و حتی کل امت مسلمة نهفته است، تا بنیاد وحدت امت اسلامی را خدشه دار ساخته و حتی قرآن - پیامبر - یاران و اصحاب و اهل بیت پیامبر (ص) را زیر سوال ببرند . زیرا هیچ مسلمانیکه بخدا ایمان داشته و بر اصالت قرآن اعتقاد داشته و پیامبر(ص) را دوست بدارد ، امکان ندارد تا بر ناموس پیامبر و دوستان و رفیقان و اهل بیت پیامبر (ص) اسائه ادب کند و یا نعوذ بالله ایشان را تجریح تفسیق و تکفیر نماید من درباره اینکه ازواج مطهرات در قدم اول مشمول اهل بیت پیامبر(ص) هستند ، دوباره بدلائل قرآنی متوسل میشوم ، تا این موضوع بشکل بهتر بر همگان مدلل شود.

قرآن در سوره یوسف میفرماید: **(لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلَّذِينَ اَلْبَانِ) - آیه - 7** بدرستیکه در داستان یوسف و برادرانش نشانه ها برای پرسش کنندگان است.

داستان زیبای حضرت یوسف(ع) ، مانند داستان حضرت ابراهیم(ع) و حضرت موسی(ع) که قبلاً اشاره داشتیم می‌تواند جواب نهائی را برای کسانی که ازواج مطهرات را از اهل بیت بحساب نمی‌آورند ، میدهد و این داستان و بیان روشن آن بعنوان مشتم محکمی خواهد بود که بر دهان دشمنان ازواج مطهرات و دشمنان سایر اهل بیت پیامبر (ص) که از طرف قرآن حواله میشود. در داستان حضرت یوسف (ع) اگر بدقت مطالعه شود چنین دیده میشود که در آنز مائیکه ، درخواست نامشروع همسر عزیز مصر (زلیخا) از طرف یوسف پاک دامن رد میشود ، و زلیخا میخواهد تا با زور او را وادار باجابت خواست نامشروع خویش بسازد ، برای یوسف پاکدامن جز فرار ، راه و چاره دیگری باقی نمی‌ماند، وبنام یوسف (ع) فرار مینماید ، و زلیخا بدنبالش می‌دود ، تا شاید او را بچنگ آورد، و بمراد خود برسد ، که درین اثنا پیراهن یوسف از پشت بدست آن می‌افتد و او را بطرف خود می‌کشاند ، لیکن یوسف ، که خداوند عصمت او را خودش حفظ مینماید ، خود را نجات میدهد و پیراهن یوسف از عقب پاره میشود ، درین اثنائیکه میخواهد از خانه فرار کند ، شوهر زلیخا (عزیز مصر) را دربین لنگه در مشاهده میکند ، و زلیخا که چشمش به عزیز مصر می‌افتد ، عطش نفسانی آن فرو کش کرده و به سر عقل می‌آید و در فکر نجات خود از رسوائی بزرگی که متوجه او بود، می‌افتد ، و حال خوب دقت کنید که قرآن با چه زیبایی و ظرافت سخن زلیخا را چنین باز گو میکند : **(وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ^ع قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا "يوسف:25**) «و در آستانه دروازه، آقای آن زن (شوهر) را یافتند. آن گفت: کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟»

ای اهل خرد ، خوب بدقت بنگرید که ، زلیخا بکدام عبارت شوهر خود را خطاب میکند : زلیخا نمی‌گوید که جزای آن کسیکه به من ویا به زن تو(عزیز مصر) اراده سوء دارد چیست ؟ بلکه می‌گوید که : " که جزای آنکسی که به اهل تو، اراده سوء دارد چیست ؟ " و قرآن برای کلمات به زن تو **(با اهلک)** خطاب میکند .

یعنی برای زن کلمه **(اهل)** را بکار گرفته پس منظور از **اهل البیت**، زن خانه هست یا نه؟! اهل بیت عزیز مصر زلیخا بود یا نه؟ پس چرا عایشه اهل البیت رسول(ص) نباشد؟! و اگر هست پس شما چرا دوستش ندارید ؟ و چرا نسبت به آن بی ادبی کرده و حتی کلمات کفر آمیزی نثار میکنید ؟

و شما با این گفتار پلید و شمامت تان بازواج مطهرات و یاران و اصحاب و دیگر محبان رسول الله (ص) ، دوستدار اهل البیت رسول (ص) نیستید، چرا بدروغ و تقیه کلمه مبارک محبت اهل البیت رسول الله (ص) را پدک کش میکنید ؟ در همین داستان یوسف آمده است: **(وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ) "یوسف:21"** { همان کس که یوسف را خریده بود به (زنش) گفت گرامیش مدار { . و باز آمده است: **(وَرَأَوْنَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ) "یوسف:23"**) و زنی که یوسف در (بیت او) بود، از یوسف خواست که با همراهش گناه کند (به کلمه **(لِامْرَأَتِهِ)** و **(بَيْتِهَا)** توجه کنید پس قرآن، خانه عزیز مصر را، خانه زلیخا مینامد و میگوید بیت زلیخا.... و زلیخا را زن عزیز مصر میشناسد پس با این حساب: چرا بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم، بیت عایشه (رض) نباشد ؟

پس وقتی خانه رسول الله (ص) خانه عایشه(رض) است یعنی عایشه میتواند به بیت رسول بگوید خانه من به خانه رسول بگوید خانه من دیگر این غیر منطقی نیست که صاحب و خانه و اهل خانه را مستحق اهل بیت نمی‌دانید در حالیکه خانه خودش است و خانه شوهر خودش است ؟ مال خودش است .

ازین داستان سیدنا یوسف (ع) مانند سایر داستانهای پیامبران پیشین ثابت میشود که از واج نبی کریم (ص) در قدم اول از جمله اهل بیت پیامبر بوده و دیگران را بصورت ضمنی ، خود جناب پیامبر(ص) افتخار منصب اهل بیت را داده اند و از قصص قرآنی ثابت میشود که استنباط اهل روافض مبنی بر اینکه ازواج پیامبر (ص) اهل بیت نیستند کا ملا بر ضد آیات قرآنی و بر خلاف قصص سایر انبیاء کرام علیهم السلام و بر خلاف عقل سلیم و منطق بشری است.

پایان قسمت دوم
ادامه دارد

01-01-2012